

تحلیل کیفی محتوای کتب مقطع متوسطه از منظر گفتمان سازی نظریه ولایت فقیه براساس آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران^۱

فاطمه سادات جعفرنیا*

مقصود امین خندقی**

سیدجواد قندیلی***

محمدرضا جواهری****

چکیده

این پژوهش با الهام از فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، به بررسی رویکرد گفتمان‌سازانه (که متوجه به مبانی نظری بومی و نشأت گرفته از آموزه‌های اسلامی می‌باشد) در کتب درسی و در باب موضوع ولایت فقیه پرداخته است. روش انجام این پژوهش تحلیل گفتمان است که یکی از انواع تحلیل محتوای کیفی است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که کتب درسی در انتقال موضوع ولایت فقیه، از رویکرد اخبار گونه و تاریخی پیروی می‌کنند و رویکرد گفتمان‌سازانه مورد غفلت واقع شده است. از مهم‌ترین نشانه‌های اخبار گونه‌گی متن می‌توان به سازماندهی محتوای درسی بر اساس رخداد‌های زمانی، تقسیم‌بندی موضوعی و ترتیب منطقی و غفلت از توجه به روابط ذاتی معارف اشاره نمود. علاوه بر این، استفاده از شیوه بیان مستقیم، عدم توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، سطحی‌نگری، تمرکز بر حافظه‌پروری و بی‌توجهی به عمق مطالب، و غفلت از ابعاد معنوی و عاطفی مخاطبان، از دیگر ویژگی‌های متن کتابهای درسی در انتقال نظریه ولایت فقیه بودند. این پژوهش در نهایت استفاده از رویکرد گفتمان‌سازانه را در طراحی و تدوین کتب درسی پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: ولایت فقیه؛ تربیت دینی؛ تحلیل گفتمان؛ گفتمان‌سازی؛ کتب درسی، محتوای درسی، رهبر انقلاب.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد است.

Email: f.s.jafarnia@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: aminkhandaghi@ferdowsi.um.ac.ir

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Email: ghandili@ferdowsi.um.ac.ir

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: javaheri@ferdowsi.um.ac.ir

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۱/۲۴

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین تحولی بود که موجب دگرگونی ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی در ایران و جهان شد. شاخصه‌های ایدئولوژیکی این انقلاب حاکمیت، الله، حکومت ولی فقیه، اسلام‌محوری و استعمارستیزی بود، اما برای تبیین و ترویج این ارزش‌ها، انقلاب فرهنگی در مدارس ضرورت دارد (کریمی قهی، ۱۳۸۹). در پی وقوع انقلاب اسلامی و با توجه به ماهیت مذهبی جامعه ایران، پس از انقلاب اسلامی سبب شد جایگاه تربیت اسلامی از سطح آرمانی فرقه‌ای یا عنوانی برای مباحثات اجتماعی به سطح واقعیتی بنیادین و حافظ ساختار ایدئولوژیک جامعه ارتقا یابد (علم‌الهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) و ما با انقلاب اسلامی اعلام کردیم که برای زندگی فرد و جامعه و حرکت به سوی کمال، پیام دیگری غیر از آنچه ایدئولوژی‌های رایج طرح کرده‌اند، داریم و این رسالتی است که برنامه‌ریزان درسی و تولیدکنندگان مواد آموزشی در تعیین اهداف و انتخاب محتوا باید به آن توجه کنند (ملکی، ۱۳۸۹). در حقیقت آموزش و پرورش کشور با حضور میلیونی دانش‌آموزان در گستره خود، یکی از زیربنایی‌ترین نهادهای کشور است و باید با نگاهی عمیق و سیستمی، به پرورش جوانان پردازد. از این‌رو، دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور باید با دقت نظر و اعمال حساسیت بیش از پیش به تهیه و تنظیم محتوای کتب درسی برای ایجاد تغییر در دانش، نگرش و توانش دانش‌آموزان پردازد تا این تغییرات در بلندمدت منجر به رفتارهای مطلوب آنان شود (صالحی عمران و شکیباییان، ۱۳۸۶). هدف برنامه درسی از دیدگاه اسلامی، کمک به رشد هماهنگ ابعاد معنوی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی فرد و سوق دادن او به سوی خداست و مواد درسی باید ناظر بر همه مهارت‌ها شناخت‌ها و گرایش‌هایی باشد که هر مسلمان برای زندگی دنیوی و اخروی و رویارویی با مسائل و رویدادها مختلف زندگی به آنها نیاز دارد (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۳۳)، اما به یقین می‌توان گفت که هنوز آن نوع تربیت که بتواند از عهده به فعلیت رساندن نبوغ‌ها و خلاقیت‌ها برآید، در دسترس بشر قرار نگرفته است (جوادی، ۱۳۷۷، ص ۴۹) و با وجود فراهم آمدن موقعیت کافی برای تحقق اصلاحات آموزشی بر مبنای نگرش اسلامی، هنوز اقدامات انجام شده، کافی نیست (علم‌الهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). هرچند معادل دانستن برنامه درسی با محتوا سبب می‌شود که بسیاری دیگر از برنامه‌ها و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و نشده به حساب نیاید (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲، ص ۷)، با این همه بیان این نکته اهمیت دارد که انتخاب محتوا همواره حساسیت و اهمیت ویژه‌ای دارد (همو، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳) و باید با نظام اعتقادی و ارزشی خاص موجود در جامعه همسو باشد (خوی‌نژاد و مهرمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). این نظام اعتقادی و ارزشی در حیطه رشته برنامه درسی، در قالب ایدئولوژی برنامه

درسی که به نظریه‌های کلان تربیتی یا فلسفی اطلاق می‌گردد، پیگیری می‌شود (مهرمحمدی و امین خندقی، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۳۱). ایدئولوژی‌های برنامه درسی مجموعه‌ای از باورهای اساسی و نظام‌های ارزشی است که به برنامه‌های درسی، به‌عنوان یکی از عمده‌ترین ابزارهای تحقق اهداف نظام آموزشی، جهت می‌دهند (بهالگردی، ۱۳۸۹، ص ۹). هر کشوری نیز باید با توجه به شرایط فرهنگی، اقلیمی، تاریخی و... به تدوین نظریه برنامه درسی خاص جامعه خود پردازد (مهرمحمدی و امین خندقی، ۱۳۸۸، ص ۴۲-۴۳). این شرایط فرهنگی و بومی در کشور ما، متأثر از دین رسمی آن، یعنی دین مبین اسلام، است. با مراجعه به دستورات اسلام در می‌یابیم که در میان این دستورات، هیچ چیزی به اندازه مسئله امامت و رهبری، که از آن در عصر غیبت به ولایت فقیه تعبیر می‌شود، اهمیت ندارد. در حقیقت ولایت، عمود خیمه اسلام است، اگر این عمود نباشد یا آسیب ببیند، خیمه اسلام فرو می‌ریزد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۹).

سیاست‌های کلی کشور در زمینه‌های گوناگون از جمله آموزش و پرورش در زمان حال با الهام از افکار و دستورات آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در عصر غیبت، تعیین می‌شود. تمرکز بر افکار ایشان به دلیل مقام و احاطه سیاسی و نیز جایگاه علمی و دینی ایشان به‌عنوان مجتهد و مرجع دینی و نیز منصب ولایت فقیه، اهمیت دارد و منجر می‌گردد تا پژوهش‌ها به سمت بومی‌سازی و توجه به فضای درونی کشور سوق داده شوند. از این رو، این نوشتار نیز با الهام از تفکرات ایشان، سعی در انجام پژوهشی مبتنی بر نیازها و افق‌های کشور در باب نظام برنامه درسی را دارد. در همین راستا، مقام معظم رهبری طی سال‌های اخیر در باب موضوعات مهم و اساسی امر به گفتمان‌سازی نموده‌اند. مهم‌ترین عناصر تعریف مانع و جامع برای گفتمان را می‌توان این‌گونه بیان کرد: ۱. هر گفتمان همراه با نظام معرفتی و معنایی است؛ ۲. این نظام معرفتی در بافتی اجتماعی شکل می‌گیرد؛ ۳. پس از شکل‌گیری این نظام معرفتی، محدودیتی در فراتر رفتن آن از این بافت اجتماعی وجود ندارد؛ ۴. این نظام معرفتی، همه‌گیر است و عبارت «گفتمان غالب» را در بطن خود دارد (به این معنا که گفتمان آن نظام معرفتی است که غالب و همه‌گیر است). گفتمان‌سازی نیز با توجه به آنچه بیان شد، فرایند تبدیل ایدئولوژی به گفتمان تعریف می‌شود: ایدئولوژی در مقام هسته مرکزی یک گفتمان و گفتمان به معنای نظام معرفتی همه‌گیر. فرایندی که در این میان برای غالب‌سازی یک ایدئولوژی باید انجام شود، گفتمان‌سازی نام می‌گیرد (امین خندقی و جعفرنیا، ۱۳۹۳). در باب انتقال نظریه ولایت فقیه در کتب درسی دو رویکرد عمده وجود دارد: رویکرد اخبارگونه و تاریخی و رویکرد گفتمان‌سازانه که بررسی این ویژگی‌ها به‌طور

مفصل در قالب پژوهش دیگری بررسی شده است^۱ و در قسمت روش پژوهش در همین نوشتار نیز در قالب یک جدول مطرح گردیده است. بر این اساس، در این پژوهش هدف بر آن است که محتوای کتب درسی مقطع متوسطه با موضوعیت ولایت فقیه از حیث ویژگی‌های رویکرد گفتمان‌سازانه تحلیل شود.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد، هرچند پژوهش‌های انجام شده حول محور تربیت دینی فراوان هستند، اما این پژوهش‌ها غالباً از حیث موضوع و روش در حوزه برنامه درسی با پژوهش پیش‌رو متفاوتند. سیفی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی اهداف کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از حیث انطباق با آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران» انجام داده است که روش کلی این مطالعه مبتنی بر مقایسه و تطابق بوده است. یافته‌های این پژوهش نیز نشان داده، اگرچه، میزان توجه به اهداف اجتماعی در کتاب‌های درسی در حد قابل توجه بوده است، اما به هدف‌های سیاسی کمتر توجه شده است. همچنین صفرنیا شهری (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی ادبیات داستانی کودکان با موضوع مهدویت» به انجام رسانده است. این پژوهش با توجه به چارچوب تحلیل گفتمان فرکلاف، به بررسی تعدادی از داستان‌های کودکان با موضوع مهدویت پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعداد داستان‌ها در موضوع مهدویت بسیار کم است و مؤلفان کتاب‌ها برخی مفاهیم ساده، سطحی و تکراری را در قالب متن به خوانندگان خردسال ارائه کرده‌اند. پایان‌نامه دیگری نیز با عنوان «بررسی چگونگی طرح انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان» توسط محمد فاتحی (۱۳۸۴) انجام شده است که روش آن تحلیل محتوا و مصاحبه بوده است. این پژوهش به بررسی چگونگی طرح انقلاب اسلامی در کتب درسی پرداخته است. نتیجه به‌دست آمده حاکی از آن است که در بیشتر کتاب‌های درسی به انقلاب از زاویه رهیافت فرهنگی نگاه شده و در بعضی موارد این نگاه حالت افراط‌گرایانه به خود گرفته و دیگر عوامل نادیده انگاشته شده است. مصاحبه با کارشناسان نیز نشان داده است که باید انقلاب اسلامی با دیدی علمی‌تر در کتاب‌ها مطرح شود.

طبق بررسی‌ها حجم کمی نسبتاً وسیعی که پژوهش‌ها در حوزه تربیت دینی به خود اختصاص داده‌اند، اما از لحاظ کیفی و غنای مفهومی، انجام پژوهش‌های عمیق، ژرف و بنیادین که متمرکز بر روش‌های کیفی و همچنین متوجه به مبانی نظری و شالوده‌های ایدئولوژیک باشند، مورد غفلت واقع شده است. این پژوهش از حیث اینکه نگاهی ژرف به مبانی ایدئولوژیک برنامه درسی دارد و

۱. ر.ک: امیر خندقی و جعفر نا (۱۳۹۳)، «جگه‌نگی گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه در محتوای برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، ص ۱۳۹-۱۵۸.

همچنین بر موضوع ولایت فقیه متمرکز شده است و نیز از جهت روش، کاملاً نوآورانه است؛ زیرا بررسی پیشینه نشان داد مبحث ولایت فقیه به‌ویژه در حیطه برنامه درسی موضوعی کاملاً مغفول بوده که به آن پرداخته نشده است. ضمن اینکه در این پژوهش توجه به موضوع ولایت فقیه از دیدگاه ایدئولوژیک بوده و به خاطر الهام از فرمایشات مقام معظم رهبری و توجه به علم بومی و متناسب با فضای کشور، اهمیت آن دوچندان می‌شود.

روش پژوهش

تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحقیق است (ساروخانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۹). تحلیل محتوای کیفی از روش‌های کیفی برای تحلیل داده‌های متنی است (فرمان^۱ و دامسچرودر،^۲ ۲۰۰۸، ص ۴۰؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). این روش، روش تحقیقی انعطاف‌پذیر و دیدگاهی سیستماتیک و دقیق برای تحلیل اسناد است (وایت^۳ و مارش^۴، ۲۰۰۶، ص ۲۲-۲۳) که با هدف تحلیل متغیرهای پنهانی که مستقیماً در متن مشاهده نمی‌شود و باید از یک نوشته استنباط شود، صورت می‌گیرد (استریجس، مارتنس، پرینس و جوچمس،^۵ ۲۰۰۶، ص ۱۳). این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی صورت می‌گیرد. هر چند گونه‌های مختلف تحلیل محتوای کیفی توسط محققان مختلف مطرح شده است (مایرینگ، ۲۰۰۰؛ هسیه^۶ و شانون،^۷ ۲۰۰۵)؛ اما این پژوهش به انتخاب روش تحلیل گفتمان پرداخته است. این روش توسط پینگل^۸ (۲۰۰۹) به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل کیفی محتوا مطرح شده است. تحلیل گفتمان برای تحقیق کتب درسی مفید است (پینگل، ۲۰۰۹، ص ۷۱) و روشی برای مطالعه معنای نهفته در جملات و واژگان است (عقبلی و لطفی حقیقت، ۱۳۸۹). مراحل اجرای روش نیز به شرح زیر می‌باشد. این مراحل نه‌گانه براساس پژوهش عقبلی و لطفی حقیقت (۱۳۸۹) که نسبت به دیگر مراحل در پژوهش‌های دیگر از جامعیت بیشتری برخوردار بود و تناسب بیشتری با این پژوهش داشت، پیگیری شده است.

پنج مرحله اول شامل: ۱. طرح مسئله؛ ۲. تبیین موضوع تحقیق؛ ۳. طرح پرسش‌های پژوهش؛

1. Forman
2. Damschroder
3. Whitw
4. Marsh
5. Strijbos, Martens, Prins and Jochems
6. Hsiu-Fang hsieh
7. Sarah E. Shannon
8. Pingel

۴. تعریف مفاهیم؛ ۵. ارائه چارچوب نظری؛ پیش از این به‌طور مختصر مطرح و مجدداً به‌طور خلاصه در جدول شماره یک ارائه شده است؛ ۶. نمونه‌گیری: شیوه نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان نیز همچون دیگر روش‌های تحقیق است و ممکن است در سطوح و ابعاد مختلف کلمات، عبارات، پاراگراف‌ها، فصول، کتاب‌ها و مانند آن انجام شود. پس از بررسی کتاب‌های درسی که به مبحث ولایت فقیه پرداخته بودند - شامل کتب دین و زندگی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، و تاریخ - که مجموعاً هشت کتاب بودند، در همه رشته‌ها و پایه‌های مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی، از میان مطالب مرتبط به ولایت فقیه، دست به انتخاب نمونه‌هایی زده شد. گفتنی است که در این روش به جای استفاده از فنون نمونه‌گیری تصادفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. دستیابی به نمونه‌ای که حداکثر درگیری با مسئله تحقیق را دارد و از اطلاعات زیادتری برخوردار است، نمونه مناسب تحقیقات کیفی است (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶). در انتخاب نمونه‌ها تلاش شده، نمونه‌ها متناسب با سهم هر زمینه موضوعی در کتاب‌های درسی انتخاب شوند (برای نمونه، زمینه موضوعی مصداق ولی فقیه چون صفحات بیشتری از کتب درسی را به خود اختصاص داده است نمونه‌های بیشتری از آن انتخاب شده است). اهمیت آن زمینه موضوعی در چارچوب مبحث ولایت فقیه نیز مد نظر بوده است (برای نمونه، زمینه موضوعی اثبات ولایت فقیه چون در چارچوب مباحث مرتبط با ولایت فقیه مهم بوده است، تلاش شده نمونه‌های بیشتری از آن انتخاب شود)، همچنین انتخاب قسمت‌هایی از محتوا که بار معنایی بیشتری دارند (مثلاً بین دو قسمت از کتاب که شباهت موضوعی داشته‌اند، قسمتی انتخاب شده است که محتوای بیشتر و تکرار کمتری داشته باشد)، و استفاده از تمام این کتاب‌ها (یعنی اگر دو کتاب قسمت مشابهی داشته‌اند، از کتابی که استفاده نشده است، نمونه اتخاذ شده تا همه کتاب‌ها مورد استفاده باشند) در دستور کار بوده است؛ ۷. واحد تجزیه و تحلیل در این پژوهش واحد تجزیه و تحلیل، مضمون و پاراگراف بوده است؛

۸. طبقه‌بندی اطلاعات: نمونه‌ها ذیل هشت زمینه موضوعی که برخی از زمینه‌های موضوعی، خود دارای زیرمجموعه‌هایی نیز هستند، طبقه‌بندی شده است. این زمینه‌های موضوعی براساس موضوعات مشترک در آثار چهار صاحب‌نظر، شامل امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، امام خامنه‌ای، آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی، به‌دست آمد و شامل این موارد است: ضرورت‌ها و دلایل تشکیل حکومت اسلامی، ولایت فقیه و اثبات آن، ویژگی‌های ولی فقیه، وظایف و اختیارات ولی فقیه، مشروعیت و مقبولیت، چگونگی انتخاب ولی فقیه، مصداق ولایت فقیه، آثار و برکات حکومتی که ولایت فقیه در رأس آن است؛

۹. تحلیل متون و اطلاعات: تحلیل گفتمان می‌تواند ناظر به چند سطح باشد، فرکلاف^۱ در کتاب خود با نام زبان و قدرت^۲ به سه سطح توصیف،^۳ تفسیر^۴ و تبیین^۵ اشاره می‌کند (فرکلاف، ۱۹۸۹).

سطح توصیف: مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد (آفاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶، ص ۴۱). فرکلاف ذیل این سطح موارد گوناگونی را مطرح کرده که در این پژوهش به انتخاب مواردی دست زده شده است که متناسب با موضوع پژوهش بوده و به پاسخ سؤال پژوهش مدد رسان باشند. پرسش‌ها عبارتند از: موضوعات کلی مطرح شده در هر درس چیست و بر این اساس، پاراگراف مورد نظر ذیل کدام دسته موضوعی قرار می‌گیرد؟ در هر پاراگراف چه واژگانی وجود دارد که آن را با بحث ولایت فقیه مرتبط می‌سازد؟ آیا واژگانی که متناقض با ایده و مضمون اصلی پاراگراف است وجود دارد؟ آیا واژگانی در متن یافت می‌شود که دارای بار ادبی بوده و جدای از کمک به ایجاد شناخت، جوی احساسی در متن پدید آورند؟ جملات به صورت مستقیم بیان شده‌اند یا غیرمستقیم؟ کدام یک از تغییرات و یا علائم نگارشی (مثلاً برجسته‌سازی جملات، تغییر رنگ خط، تغییر خط نوشته) در متن وجود دارد که به بهبود انتقال مضمون مورد نظر کمک می‌رساند؟ آیا نوشته‌های متن دارای استناددهی هستند؟ برای استناد و ارجاع نوشته‌ها از چه شیوه‌ای استفاده شده است؟ این امر دارای اثرات مثبت است یا منفی؟

سطح تفسیر: تفسیرها ترکیبی از محتویات متن و ذهنیات مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. در این سطح به بررسی نمونه‌ها از نظر شاخصه‌های گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه و نیز شاخصه‌های رویکرد اخبارگونه و تاریخی پرداخته شده است. این ویژگی‌ها براساس مطالعات گسترده محقق حول محور بررسی متون درسی، بررسی آثار صاحب‌نظران در موضوع ولایت فقیه، تفکر و مطالعه در رویکردهای حاکم بر کتب درسی، بررسی و مطالعه در سخنان مقام معظم رهبری و طیف گسترده‌ای از منابع در باب چیستی رویکرد گفتمان‌سازانه و احصای ویژگی‌های آن بوده است. این ویژگی‌ها به شرح زیر هستند:

1. Fairclough
2. Language and power
3. Description
4. Interpretation
5. Explanation

جدول ۱: ویژگی‌های رویکرد اخبارگونه و گفت‌مان‌سازانه (امین خندقی و جعفرنیا، ۱۳۹۳)

ویژگی‌های رویکرد گفت‌مان‌سازانه	ویژگی‌های رویکرد اخبارگونه و تاریخی
<ul style="list-style-type: none"> • پرهیز از سطحی‌نگری، ساده‌اندیشی و ظاهر بینی در تبیین نظریه ولایت فقیه؛ • توجه به رابطه علت و معلولی در توضیح مسائل مربوط به ولایت فقیه؛ • شناخت مخاطب و تمرکز بر پاسخ‌دهی به شبهات ذهنی او در باب ولایت؛ • پاسخ دادن به صورت غیر مستقیم؛ • همه‌جانبه‌نگری در بیان مسائل مرتبط با نظریه ولایت فقیه و پرهیز از یک‌سونگری؛ • توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی در بحث ولایت فقیه در کنار استدلال‌های محکم نظری؛ • روزآمدسازی و ملموس کردن نظریه ولایت فقیه برای مخاطبان؛ • برانگیختن عواطف در باب ولایت فقیه؛ • تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی <small>علیه السلام</small> و امام خامنه‌ای؛ • توجه به رابطه مودت‌آمیز بین ولی فقیه و امت؛ • در نظر گرفتن نظریه ولایت فقیه بر اساس ارتباط ذاتی آن با دیگر معارف. 	<ul style="list-style-type: none"> • مخاطب اصلی متن، ذهن فراگیر است و با روح و جان او بیگانه است؛ • توجه نکردن به هماهنگی‌ها و زیبایی‌های بصری؛ • استفاده نکردن از داستان‌ها، تمثیل و استفاده از شیوه بیان مستقیم؛ • عدم زمینه‌سازی و بسترسازی و مقدمه‌گویی برای ورود به مباحث؛ • معمول‌ترین شیوه ارائه مطالب، بیان آنها برحسب رخداد زمانی، تقسیم‌بندی موضوعی و ترتیب منطقی است؛ • بی‌توجهی به روابط ذاتی میان موضوعات؛ • ارائه حجم زیاد مطالب و بیان مسلسل‌وار اطلاعات که اغلب فدای پرداختن عمیق و تأمل‌گرا به مسائل می‌شود • توجه نکردن به شناسایی مخاطب و شبهات او.

سطح تبیین: این سطح در قالب شناسایی رویکرد کلان و باهم‌نگری مطرح می‌شود. در این سطح به بررسی وضعیت و روابط مؤلفه‌های رویکرد گفت‌مان‌سازانه و اخبارگونه در هر نمونه و نیز بررسی این مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر پرداخته شده است و از طریق توجهی کلی به آنها در باب وضعیت نهایی متن از نظر میزان توجه به رویکرد گفت‌مان‌سازانه یا اخبارگونه تصمیم‌گیری می‌شود. برای تأمین اعتبار در این مطالعه، از روش تأمین اعتبار پژوهش‌های کیفی مطابق نظر گوبا و لینکلن^۱ استفاده شده است (گوبا و لینکلن، ۱۹۹۴؛ عباس‌زاده، ۱۳۹۱؛ چو و ترنت، ۲۰۰۶). گوبا و لینکلن، چهار شاخصه قابلیت اعتبار یا اعتبار‌پذیری^۲، قابلیت انتقال یا انتقال‌پذیری^۳، قابلیت اطمینان یا اطمینان‌پذیری^۴، و قابلیت تأیید یا تأیید‌پذیری^۵، را برای اعتبار پژوهش‌های کیفی

1. Guba and Lincoln
2. Cho and Trent
3. Credibility
4. Transferability
5. Dependability
6. Confirmability

کیفی مطرح کرده‌اند (شنتون، ۲۰۰۴، ص ۶۴). توسعه آشنایی اولیه با منابع اخذ داده، استفاده از «پرسش‌های تکرارشونده»^۱ برای جلوگیری از اشتباهات و دروغ‌های عمدی، غور کردن^۲ و طرح پرسش‌های مداوم در فرایند جمع‌آوری داده‌ها، جلسات گزارشگری مکرر میان محقق و استاد راهنما از جمله راهکارهای تأمین اعتبار است. همچنین در مرحله بررسی کتب درسی برای تعیین قسمت‌هایی از کتاب‌ها که به موضوع ولایت فقیه مربوط است، بعد از اینکه محقق، این قسمت‌ها را معین کرد، همه هشت کتاب را در اختیار فرد دیگری (که به دلیل تدریس دروس تاریخ و جامعه‌شناسی در مدرسه، اشراف خوبی بر این کتب درسی داشت) قرار داده شد، البته وی از دیدگاه‌های محقق اطلاعی نداشت. پس از گردآوری نظرات شخص دوم و مطابقت آنها با نظرات محقق، معلوم شد که به جز یک مورد، نظرات فرد دوم منطبق بر نظرات محقق است. افزون بر این، یافته‌های پژوهش، توسط استاد راهنما، به‌عنوان شخص دوم، بررسی شده است. این بررسی علاوه بر تأیید این یافته‌ها توسط استاد راهنما، نشان داد که فرایند پژوهش به منظور حصول یافته‌ها با نهایت دقت انجام شده است و محقق تا حد امکان از دخالت نظر شخصی و برخورد سطحی به دور بوده است. همچنین تحلیل برخی از نمونه‌ها در سطوح مختلف و در ادوار زمانی مختلف، تکرار شده است و نتایج آن با تحلیل‌های اولیه پژوهشگر، همخوان بوده است که بیانگر کامل بودن تحلیل‌ها و عمق آنهاست. برای افزایش دقت، همه نمونه‌ها ذیل دسته‌های موضوعی قرار گرفتند و برای هر دسته موضوعی نیز زیرمجموعه‌هایی معین شد، تا از کلی‌گویی و تداخل موضوعی جلوگیری شود و نظم و دقت در تحلیل متون افزایش یابد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین قابل طرح است، اما به علت محدودیت فضا در این مطالعه، ابتدا یک نمونه تحلیل بیان می‌شود تا خواننده از چگونگی فرایند تحلیل اطلاع یابد و در ادامه نتایج خلاصه‌وار تحلیل‌ها در قالب جدول ارائه می‌شود. بیان این نکته ضروری است که توجه به جملات، پاراگراف‌ها و مطالب پیش و پس از هر نمونه نیز مورد توجه بوده تا به این وسیله دقت تحلیل‌ها افزایش یابد.

1. iterative questioning

2. Probe

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت‌خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به‌طور نسبی فراهم می‌آید دینداران و حق‌طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای بیداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند.

گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می‌شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک‌تر می‌سازد.

تصویر ۱: کتاب دین و زندگی سوم دبیرستان، آثار و برکات حکومتی که ولایت فقیه در رأس آن است. نمونه ۱۸: ص ۱۴۰

یافته‌های سطح توصیف: در این مرحله در پاسخ به پرسش‌هایی که برای سطح توصیف در قسمت روش مطرح شد، مطالبی عنوان می‌شود. این پاراگراف از درس یازدهم کتاب دین و زندگی سال سوم متوسطه با عنوان «مرجعیت و ولایت فقیه» استخراج شده است. در این درس پس از بیان آیاتی از قرآن کریم درباره ولایت به بیان مقدماتی درباره جاودانگی دین اسلام پرداخته شده و مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در دوره غیبت کبری به‌طور مختصر مطرح شده است. در ادامه به ذکر سخنانی از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار در این زمینه پرداخته است. واژگان «تقلید»، «مرجع تقلید»، و «ولی فقیه» در ادامه تعریف شده‌اند. سپس شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه بحث شده است و پس از آن راه‌های شناخت مرجع تقلید و چگونگی انتخاب ولی فقیه طرح شده است. در پایان درس هم موضوع «ولایت فقیه، زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر (عج)» و آثار و برکات حکومت ولایی بیان شده است.

پاراگرافی که تصویر آن مشاهده می‌شود به بیان برخی از آثار و برکات حکومت اسلامی در عصر غیبت پرداخته است. واژگان «عصر غیبت»، «حکومت اسلامی»، «حکومت عدل جهانی» پاراگراف را به موضوع ولایت فقیه مرتبط می‌سازد. در این پاراگراف واژگانی که متناقض با موضوع اصلی باشند، وجود ندارد و جملات با یکدیگر و نسبت به سایر پاراگراف‌ها هماهنگ هستند. نوع بیان جملات مستقیم بوده، بدین معنا که آثار و برکات حکومت اسلامی در عصر غیبت مستقیماً مطرح شده است و برای انتقال آن از داستان‌ها، نمونه‌های واقعی، تمثیل‌ها و دیگر معارف استفاده نشده است. علامت نگارشی خاصی مانند تغییر رنگ نوشته‌ها، برجسته‌سازی، یا تغییر خط

مشاهده نمی‌شود. استناد مشخص در این قسمت وجود ندارد. به این معنا که هرچند نویسنده در نگارش کتاب از منابعی بهره جسته است و این منابع در آخر کتاب آمده، اما به‌طور مشخص این قسمت از متن به منبعی مستند نشده است. نشانگر خاصی هم که حاکی از وجود فضای احساسی و عاطفی در متن باشد، به چشم نمی‌خورد.

یافته‌های سطح تفسیر: یکی از نکات در تفسیر این پاراگراف، که منجر به ایجاد سطحی‌نگری و کج‌فهمی می‌شود، کاربرد اشتباه زمان افعال است. اینک به بررسی این افعال و آثار منفی آن پرداخته می‌شود. «در این حکومت زمینه عبودیت، ... به‌طور نسبی فراهم می‌آید. دین‌داران و حق‌طلبان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد. وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبران تدارک ببیند. گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می‌شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک‌تر می‌سازد». تمام افعالی که زیر آنها خط کشیده شده است، به نوعی زمان آینده را نشان می‌دهد. فحوای جملات به دلیل افعالی که در آن به کار رفته است، بیانگر آن است که تشکیل حکومت اسلامی و برکات ناشی از آنکه برخی از آنها نیز در متن اشاره است، هم اکنون و در فضای جامعه ما در حال تحقق نیست. برای نمونه متن بیان می‌کند که در این حکومت زمینه عبودیت و معنویت خواهی و... فراهم می‌آید. هرچند این جمله، نادرست نیست، اما این مسئله به ذهن متبادر می‌شود که چنین زمینه‌هایی در حال حاضر فراهم نیست. این در حالی است که منابع چنین مسئله‌ای را تصدیق نمی‌کنند. پروفیسور کارستن کوپله، یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان و ایران‌شناسان غربی، می‌نویسد: «انقلاب اسلامی و رهبر آن امام خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داد، بدون تردید آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است» (حاجتی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۷). وجود حکومت اسلامی نه تنها می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم می‌آورد، بلکه چنین امکانی را فراهم آورده است (مطهری، ۱۳۸۹) و موجب تقویت جبهه حق در دنیا شده است. الکسی مالاشنکو، محقق علوم اسلامی بنیاد کارانگی، می‌نویسد: «اسلام با سرعت خیره‌کننده‌ای اروپا را به تسخیر خود درآورده است». پروفیسور جین اسمیت، متخصص مطالعات اسلامی آکادمی آموزشگاه‌های اسلامی هارتفورد در ایالت کانکتیکات، می‌نویسد: «اکنون بیشتر شهرهای متوسط آمریکا، از نظر وسعت، دست‌کم دارای یک مسجد می‌باشند و اعتقاد به اسلام خیلی بیش از آنچه

آمریکایی‌ها تصور می‌کنند، در این کشور ریشه دوانده است» (حاجتی، ۱۳۸۷)؛ از این‌رو، این شیوه کاربرد افعال آثار خوبی به همراه ندارد.

در باب توجه به رابطه علت و معلولی باید گفت که توجه کمی در این زمینه معطوف شده است. چرا حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد؟ و چگونه این حمایت موجب تقویت جبهه حق می‌شود؟ وجود حکومت اسلامی چگونه امکان مقابله با توطئه‌ها را فراهم می‌کند؟ به‌عنوان نمونه، پسندیده بود اشاره شود که پس از پیروزی انقلاب، صادرات به اسرائیل ممنوع اعلام شد. در نتیجه محاصره ایران، اسرائیل منبع نفت خود که ۶۰ درصد نیازهای آنها را تشکیل می‌داد، از دست داد (بایمیت اف، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳).

شبهات و پرسش‌های ذهنی در این قسمت از متن مورد توجه نبوده‌اند. افزون بر اینکه متن ایجادکننده پرسش‌ها و شبهاتی نیز در ذهن فراگیران است. شبهاتی مانند اینکه «دفاع از مظلومان و ملت‌های مظلوم موجب می‌شود، ایران منزوی شده و مجال پیشرفت پیدا نکند» یا «وجود حکومت اسلامی نه تنها موجب مقابله با توطئه‌ها نیست، بلکه مایه افزایش آنهاست». در اینجا است که مستند کردن نوشته‌های کتاب و تأکید بر پشتوانه‌های عملی و تجربی حکومت اسلامی در جهت باورپذیری فراگیران، نقش مثبتی ایفا می‌کند. برای نمونه، در رفع شبهه اول می‌توان به این نکته اشاره کرد که ایران با وجود دفاع از مظلومان، در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و... پیشرفت روزافزونی داشته است. در پایگاه سایماگو^۱ رتبه علمی ایران در سال ۲۰۱۳، در جایگاه هفدهم جهان قرار دارد، این در حالی است که جایگاه علمی ایران در سال ۱۹۹۶ رتبه پنجاه و سوم جهان را نشان می‌دهد (سایماگو رتبه‌بندی نشریات و کشورها، ۲۰۱۳)؛ از این‌رو، سخن گفتن بر سبیل واقعیات و مستندات در جهت بهبود متن از نظر شاخصه‌های گفتمان‌سازی پیشنهاد می‌شود. ارائه محتوا به صورت مستقیم است و متن بدون پرده در موضوع ولایت فقیه، زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر علیه السلام که عنوان قسمت است، سخن می‌گوید. طرح این مطلب به‌طور غیرمستقیم از طریق مجموعه معارف و مسائل مرتبط با بحث مهدویت - که حوزه‌ای بسیار وسیع است - قابل پیگیری است. در واقع، متن به شکلی روایت‌گونه در حال بیان مطالبی است که برای بسیاری از فراگیران ممکن است غیرقابل فهم و درک باشد. البته پیگیری این بحث از طریق برقراری و ترسیم ارتباط ذاتی میان موضوع ولایت فقیه و بحث مهدویت امکان‌پذیر است. انقلاب اسلامی ایران به صورت‌های گوناگون در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام پیش‌بینی شده است و به

1. SCImago

2. SCImagoJournal & country rank

مراحل و سرنوشت انقلاب و زمینه‌سازی آن برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است (جواهری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳) و امام خمینی رحمته الله علیه در جهت تحقق آرمان‌های امام عصر قدم نهاده و تلاش کرده است. اسلامی کردن ایران، اسلامی شدن جهان و جهانی شدن اسلام از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه سه هدف بزرگ، بلندمدت و نهایی انقلاب است (همان، ص ۱۷۰). ایشان در دوران غیبت دو رسالت اجتماعی را ضروری و ممکن می‌داند: یکی گسترش عدالت در دنیا و دیگری پیشگیری از ستم‌پیشگی حاکمان خودکامه (هدایتی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۱). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این مطالب در پی اثبات این موضوع هستند که میان موضوع ولایت فقیه و مهدویت رابطه‌های تنگاتنگی وجود دارد، تا جایی که بررسی جداگانه آنها را سخت نموده است. در حالی که چنین رابطه‌ای در کتاب به خوبی ترسیم نشده است. توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی و روزآمدسازی متن، نیز عنصری است که این قسمت از متن در باب توجه به آن موفق عمل نکرده است، همچنین رابطه مودت‌آمیز ولی فقیه و امت نیز در این قسمت مورد غفلت واقع شده است. رابطه ولی فقیه با مردم که رابطه‌ای سرشار از محبت و معرفت است، خود در آماده‌سازی جامعه برای ظهور حضرت صاحب امر نقشی مؤثر دارد.

پس از بیان یک نمونه تحلیل به دلیل محدودیت فضا نتایج کلی تحلیل‌ها در قالب جدول شماره ۲ ارائه می‌شود. گفتنی است که برای تک تک این موارد فرایندی که در نمونه بالا از نظر گذشت، انجام شده است. یافته‌های سطح سوم نیز در ادامه و پس از جدول مطرح می‌شود.

جدول ۲: نتایج و یافته‌های تمامی نمونه‌های پژوهش در دو سطح توصیف و تفسیر

شماره نمونه	کتاب - صفحه	زمینه موضوعی	یافته‌ها در سطح توصیف	یافته‌ها در سطح تفسیر
نمونه ۱	دین و زندگی سوم دبیرستان: ص ۵۲ و ۵۴	ضرورت‌ها و دلایل تشکیل حکومت اسلامی	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض بین نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: روزآمدسازی، شناخت مخاطب و توجه به شبهات او، توجه به رابطه ذاتی معارف، پرهیز از سطحی‌نگری. همچنین کلی‌گویی و نپرداختن عمیق به مسائل.
نمونه ۲	علوم اجتماعی مقطع پیش دانشگاهی: ص ۱۱۱	ولایت فقیه و اثبات آن - تعریف ولایت فقیه	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض بین نوشته‌ها؛ تنها مشخصه ظاهری متن استفاده از تصویر است.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، به‌روزرسانی متن، ملموس‌سازی متن، توجه به شخصیت ولی فقیه، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او.

شماره نمونه	کتاب - صفحه	زمینه موضوعی	یافته‌ها در سطح توصیف	یافته‌ها در سطح تفسیر
نمونه ۳	دین و زندگی سوم دبیرستان: ص ۱۳۵-۱۳۶	ولایت فقیه و اثبات آن - اثبات نقلی ولایت فقیه:	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ ارجاع احادیث و استناد آنها؛ مشخصه ظاهری متن، تغییر رنگ نوشته‌ها است.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، همه‌جانبه‌نگری.
نمونه ۴	دین و زندگی سوم دبیرستان: ص ۱۳۴	ولایت فقیه و اثبات آن - اثبات نقلی - عقلی ولایت فقیه	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، همه‌جانبه‌نگری، دعوت به تعقل و اندیشه‌ورزی.
نمونه ۵	دین و زندگی سوم: ص ۱۳۷	ویژگی‌های ولی فقیه	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ تنها مشخصه ظاهری متن، شماره‌گذاری است؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، روزآمدسازی متن، ملموس سازی متن، توجه به شخصیت ولی فقیه.
نمونه ۶	مطالعات اجتماعی اول: ص ۱۱۴	ویژگی‌های ولی فقیه	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، روزآمدسازی متن، ملموس سازی متن، توجه به شخصیت ولی فقیه، پرداخت عمیق.
نمونه ۷	مطالعات اجتماعی اول: ص ۱۱۵	وظایف و اختیارات ولی فقیه	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ استناددهی نوشته‌ها؛ تنها مشخصه ظاهری، تفکیک موارد از یکدیگر است؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به رابطه ذاتی معارف، روزآمدسازی متن، ملموس سازی متن، توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی، همه‌جانبه‌نگری، پرهیز از سطحی‌نگری.
نمونه ۸	دین و زندگی سوم: ص ۱۴۵	وظایف و اختیارات ولی فقیه	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ متن فاقد بار ادبی؛ استناددهی کلی نوشته‌ها؛ تنها مشخصه ظاهری، تفکیک موارد از یکدیگر است؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به رابطه ذاتی معارف، روزآمدسازی متن، ملموس سازی متن، توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی، همه‌جانبه‌نگری، پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به شخصیت ولی فقیه، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط علت و معلولی.

شماره نمونه	کتاب - صفحه	زمینه موضوعی	یافته‌ها در سطح توصیف	یافته‌ها در سطح تفسیر
نمونه ۹	جامعه‌شناسی سوم: ص ۷۸	مفهوم مشروعیت و مقبولیت	بیان مستقیم؛ پیچیدگی متن؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به رابطه ذاتی معارف، روزآمدسازی متن، ملموس سازی متن، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط علت و معلولی، پرهیز از سطحی‌نگری.
نمونه ۱۰	دین و زندگی سوم: ص ۱۳۷	مفهوم مشروعیت و مقبولیت	بیان مستقیم؛ پیچیدگی متن؛ متن فاقد بار ادبی؛ مشاهده یک نمونه استناد؛ تنها شاخصه ظاهری متن، استفاده از گیومه است؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به روابط علت و معلولی، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به رابطه ذاتی معارف.
نمونه ۱۱	دین و زندگی سوم: ص ۱۴۷	وظایف مردم در قبال رهبر	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ متن فاقد بار ادبی؛ استناددهی نوشته‌ها؛ تنها شاخصه ظاهری، تفکیک موارد از یکدیگر است؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، ملموس سازی متن، به‌روزرسانی متن، توجه به روابط علت و معلولی، توجه به روابط ذاتی معارف، پرهیز از سطحی‌نگری.
نمونه ۱۲	مطالعات اجتماعی اول: ص ۱۱۷	چگونگی انتخاب ولی فقیه - مجلس خبرگان	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، توجه به پشتوانه‌های عملی ولایت فقیه.
نمونه ۱۳	دین و زندگی سوم: ص ۱۳۹	چگونگی انتخاب ولی فقیه - مجلس خبرگان	بیان مستقیم؛ جدیت و رسمیت؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط ذاتی معارف، همه‌جانبه‌نگری، توجه به رابطه مودت‌آمیز ولی فقیه و امت.
نمونه ۱۴	علوم اجتماعی پیش دانشگاهی: ص ۱۱۱	مصادق ولایت فقیه - آشنایی با اعمال و افکار ولی فقیه	بیان مستقیم؛ رسمیت و پیچیدگی؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط ذاتی معارف.

شماره نمونه	کتاب - صفحه	زمینه موضوعی	یافته‌ها در سطح توصیف	یافته‌ها در سطح تفسیر
نمونه ۱۵:	تاریخ ایران و جهان سوم دبیرستان: ص ۲۱۳	مصادق ولایت فقیه - آشنایی با اعمال و افکار ولی فقیه	بیان مستقیم؛ رسمیت و پیچیدگی؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط ذاتی معارف، توجه به رابطه مودت‌آمیز ولی فقیه و امت، همه‌جانبه‌نگری.
نمونه ۱۶	تاریخ ایران و جهان سوم دبیرستان: ص ۲۳۷	مصادق ولایت فقیه - آشنایی با اعمال و افکار ولی فقیه	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ وجود تصویر در متن؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، توجه به روابط ذاتی معارف، همه‌جانبه‌نگری، ملموس‌سازی متن، به‌روزرسانی متن، توجه به شخصیت ولی فقیه، توجه به پشتوانه‌های عملی ولایت فقیه.
نمونه ۱۷	تاریخ ایران معاصر سوم: ص ۱۶۵	مصادق ولایت فقیه - آشنایی با اعمال و افکار ولی فقیه	بیان غیرمستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: توجه به روابط ذاتی معارف، ملموس‌سازی متن، به‌روزرسانی متن، توجه به رابطه مودت‌آمیز ولی فقیه و امت، توجه به پشتوانه‌های تجربی ولایت فقیه.
نمونه ۱۸	دین و زندگی سوم: ص ۱۴۰	آثار و برکات حکومتی که ولایت فقیه در رأس آن است	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، به‌روزرسانی متن، ملموس‌سازی متن، توجه به پشتوانه‌های تجربی حکومت ولایتی، توجه به رابطه مودت‌آمیز ولی فقیه و امت.
نمونه ۱۹	جامعه‌شناسی سوم: ص ۷۱	آثار و برکات حکومتی که ولایت فقیه در رأس آن است	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، به‌روزرسانی متن، ملموس‌سازی متن، توجه به شخصیت ولی فقیه، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، همه‌جانبه‌نگری، توجه به پشتوانه‌های تجربی حکومت ولایتی.
نمونه ۲۰	تاریخ ایران و جهان سوم: ص ۲۴۲	آثار و برکات حکومتی که ولایت فقیه در رأس آن است	بیان مستقیم؛ متن فاقد بار ادبی؛ عدم استناددهی؛ مشخصه ظاهری متن؛ تفکیک موارد است؛ عدم وجود تناقض میان نوشته‌ها.	ضعف در شاخصه‌های: پرهیز از سطحی‌نگری، توجه به رابطه ذاتی معارف، توجه به روابط علت و معلولی، توجه به شخصیت ولی فقیه، توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، همه‌جانبه‌نگری، توجه به پشتوانه‌های تجربی حکومت ولایتی.

یافته‌های سطح تبیین: سومین مرحله یعنی تبیین، در قالب شناسایی رویکرد حاکم بر کتب درسی در انتقال نظریه ولایت فقیه مطرح می‌شود. ویژگی‌های دو رویکرد گفتمان‌سازانه و اخبارگونه پیش از این از نظر گذشت و براساس آنها نمونه‌های مورد نظر در دو سطح توصیف و تفسیر تحلیل شد. اکنون باید دید کدام یک از این دو دیدگاه در نگارش کتب درسی و با نظر به موضوع ولایت فقیه، حاکمیت دارد؟ قدم اساسی برای شناسایی این رویکرد طی دو مرحله قبل برداشته شد. به‌ویژه در مرحله تفسیر که متن از نظر ویژگی‌های گفتمان‌سازانه و اخبارگونه بررسی شد. در بررسی ۲۰ نمونه‌ای که در بالا مورد توجه قرار گرفت ویژگی‌های رویکرد اخبارگونه به کرات وجود داشت و نمونه‌ها غالباً فاقد ویژگی‌های رویکرد گفتمان‌سازانه بودند. بیشتر متون به مقوله طرح شبهات در باب ولایت فقیه و زمینه‌های وابسته به آن پرداخته‌اند. در حقیقت، متون مورد بررسی با سبکی یکنواخت نگاشته شده است و در آن به زمینه‌های ذهنی، اطلاعاتی، عقیدتی و علایق خاص فراگیران توجه نشده است. افزون بر این، متن در پاره‌ای از موارد به طرح و بررسی شبهات پرداخته است؛ نمونه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳ و ۲۰ مؤید این مطلب هستند. در غالب نمونه‌ها، نوع بیان متن مستقیم است و به فراگیر این امکان را نمی‌دهد که مثلاً موضوع ولایت فقیه را از طریق موضوعات دیگر با صبغه‌های اقتصادی، فرهنگی، فناوری و غیره پیگیری کند؛ نمونه‌های ۱، ۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ بر این مطلب صحنه می‌گذارند.

توجه نکردن به روابط ذاتی میان موضوعات و بیان آنها برحسب رخداد زمانی، ترتیب منطقی، یا تقسیم‌بندی موضوعی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد اخبارگونه است. همه نمونه‌ها از یکی از سه شیوه بیان موضوعات برحسب رخداد زمانی، ترتیب منطقی و یا تقسیم‌بندی موضوعی پیروی می‌کردند. این ویژگی در همه نمونه‌ها بررسی شد و توجه به رابطه ذاتی معارف با یکدیگر به چشم نخورد.

پرهیز از سطحی‌نگری، ساده‌اندیشی و ظاهرینی در تبیین نظریه ولایت فقیه یکی از شاخصه‌های گفتمان‌سازانه بود که در غالب نمونه‌ها، جای خالی آن احساس شد، این ویژگی در همه نمونه‌ها به جز نمونه ۵ و ۶ مشاهده شد. توجه به رابطه علت و معلولی در توضیح مسائل مربوط به ولایت فقیه نیز در غالب نمونه‌هایی که بررسی شد، مورد غفلت واقع شده که موارد ۲، ۶، ۹، ۱۰، ۱۸ و ۲۰ از جمله این مواردند. همه‌جانبه‌نگری در بیان مسائل مرتبط با نظریه ولایت فقیه و پرهیز از یک‌سونگری نیز در نمونه‌هایی که قابلیت بررسی از این دیدگاه را دارا بودند، در سطح ضعیفی بود. نمونه‌های ۴، ۷، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۶ و ۱۹ از جمله این نمونه‌ها هستند. توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی در بحث ولایت فقیه در کنار استدلال‌های محکم نظری از جمله

ضعیف‌ترین شاخصه‌های مورد بررسی است. نمونه‌های مورد بررسی نشان دادند که متون عموماً در فضایی کلی، انتزاعی و غیرواقعی سیر می‌کنند. این شاخصه به دو فاکتور دیگر، یعنی روزآمدسازی و ملموس کردن نظریه ولایت فقیه برای مخاطبان و نیز تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد همه‌جانبه شخصیت امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قرابت و نزدیکی دارد. توجه به دو شاخصه اخیر نیز در بررسی کتب درسی در سطح ضعیفی قرار داشتند. مطالب در فضایی نوشته شده که کمترین درگیری را با فضای جامعه معاصر و چالش‌های اساسی آن دارد. همچنین ویژگی‌های برانگیختن عواطف در باب ولایت فقیه و توجه به رابطه مودت‌آمیز میان ولی فقیه و امت نیز در بررسی نمونه‌ها در سطح ضعیفی بودند؛ این ویژگی‌ها نیز در تمام نمونه‌ها مشاهده شد؛ مانند نمونه‌های ۷، ۸، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹. از مجموع آنچه بیان شد، رویکرد حاکم بر کتب مورد بررسی رویکرد اخبارگونه و تاریخی است و نمونه‌های مورد بررسی از حیث شاخصه‌های گفتمان‌سازانه در سطح ضعیفی عمل کرده و شباهتی به رویکرد گفتمان‌سازانه ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی کتب درسی از دیدگاه گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه انجام شده است. در سطح توصیف، مهم‌ترین یافته‌ها حاکی از جدیت و رسمیت محتوا، بی‌توجهی به جذابیت‌های ظاهری و پیچیدگی‌های نگارشی دارد، که این یافته‌ها همخوان با یافته‌های پژوهش صالحی‌عمران و شکیباییان (۱۳۸۶)، رون (۱۳۹۰)، جوادی (۱۳۷۷)، و رودگر (۱۳۸۶) است. افزون بر این، بی‌توجهی به بار ادبی و احساسی متن و غفلت از بعد معنوی فراگیران از دیگر یافته‌ها بود که نتایج پژوهش کشاورز (۱۳۸۷)، و رودگر (۱۳۸۶) نیز مؤید آن است. بهره‌گرفتن از استنادات و ارجاعات در نوشته‌ها، از نقاط ضعف متون در همه کتب درسی بود. افزون بر اینکه تناقض در میان متون با یکدیگر، در یافته‌های سطح توصیف مشاهده نشد.

در سطح تفسیر، یافته‌ها حکایت از این داشت که کتب درسی در موضوع ولایت فقیه در زمینه توجه به شناسایی مخاطب و شبهات او ضعیف عمل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش مرزوقی (۱۳۸۸) و کشاورز (۱۳۸۷) نیز بیانگر آن است که توجه به سطح رشد و فهم مخاطبان مورد غفلت واقع شده است. استفاده از شیوه بیان مستقیم و غفلت از شیوه‌های غیرمستقیم نیز از دیگر دستاوردهای این مطالعه بود که رودگر (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود به آن اشاره می‌کند. بیان مسلسل‌وار اطلاعات در عین اختصار و خلاصه‌گویی که مانع از پرداخت عمیق به مطالب می‌شود، از نکات

مهمی بود که در کتاب‌های درسی یافت شد. همین مسئله باعث عدم دعوت به تعقل و اندیشه‌ورزی و تمرکز بر حافظه‌پروری و بیگانگی با روح و جان مخاطبان نیز می‌شود. این نکته در پژوهش‌های مختلف از جمله پژوهش کشاورز (۱۳۸۷)، چراغ چشم (۱۳۸۶)، رودگر (۱۳۸۶)، جوادی (۱۳۷۸)، و میرعارفین (۱۳۹۰) بیان شده است. سطحی‌نگری، ساده‌اندیشی و ظاهرینی در تبیین نظریه ولایت فقیه طی موارد گوناگون مشاهده شد و رودگر (۱۳۸۶) نیز وجود سطحی‌نگری‌ها در آموزش دینی را تأیید کرده است. این سطحی‌نگری در انتقال نظریه ولایت فقیه اشکال مختلفی به خود گرفته است، مانند تأکید بر جنبه سیاسی نظریه ولایت فقیه که از این جهت می‌توان آن را همسو با یافته‌های پژوهش کریمی قهی (۱۳۸۹) دانست. فقدان نگاه جامع در بررسی حوادث تاریخی، با این یافته پژوهش که انتقال نظریه ولایت فقیه در زمینه همه‌جانبه‌نگری، ضعیف عمل نموده، هم‌راستا است. در این باره حکیم‌زاده و موسوی (۱۳۸۷) نشان دادند که کتب درسی از نظر توجه متوازن به حیطه‌های ارزشی با هم تفاوت معناداری دارند و وضعیت فعلی در کتاب‌های دینی از جامعیت و شمول مجموعه ارزش‌های اسلامی به دور است. یافته‌های پژوهش همچنین نشان دادند روزآمدسازی و ملموس کردن نظریه ولایت فقیه برای مخاطبان، با موفقیت انجام نشده است. نتایج پژوهش جوادی (۱۳۷۷) نیز با این یافته همخوان است. توجه به رابطه علت و معلولی در توضیح مسائل مربوط به ولایت فقیه براساس تحلیل‌های صورت گرفته، در محتوای درسی مورد توجه جدی قرار نگرفته که از این حیث هم‌راستا با یافته‌های پژوهش کسانئی و رحیمیان (۱۳۹۳) است. همچنین یکی از یافته‌های اساسی این پژوهش، ارائه مطالب درسی برحسب رخداد زمانی، ترتیب منطقی و تقسیم‌بندی موضوعی است و نسبت به ارتباط ذاتی ولایت فقیه با دیگر معارف، غفلتی جدی انجام شده است. افزون بر این شاخصه‌های توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی در بحث ولایت فقیه، تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و توجه به رابطه مودت‌آمیز میان ولی فقیه و امت، در تحلیل‌ها، نمود ویژه‌ای نداشتند و متن در قبال آنها ضعیف عمل کرده است. براساس همین تفاسیر و در سطح تبیین، رویکرد اخبارگونه و تاریخی، رویکرد حاکم بر محتوای کتب مقطع متوسطه در باب نظریه ولایت فقیه تشخیص داده شد و رویکرد گفتمان‌سازانه و ویژگی‌های آن، جایگاهی در محتوای کتب درسی نداشتند. نتایج پژوهش جعفرزاده‌پور (۱۳۸۹) نیز نشان داد که مطالعه‌های انجام شده درباره کتب درسی در سال‌های اخیر، از ناکارآمدی این کتاب‌ها در وظیفه ذاتی خود خبر می‌دهد.

براساس پژوهش و نتایج آن پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های دیگری با همین موضوع اما با تمرکز بر دیگر عناصر برنامه درسی، مانند معلم، انجام شود. همچنین گفتمان‌سازی سایر موضوعات به

غیر از ولایت فقیه نیز شایسته است در قالب پژوهش‌های دیگر مطالعه و بررسی شود. این پیشنهاد تمرکز بر این نکته دارد که رویکرد گفتمان‌سازانه به این دلیل که رویکردی بومی و دینی می‌باشد و برخاسته از مطالبات مقام معظم رهبری است، می‌تواند مؤثر واقع شود. اما از آنجایی که در مراحل اولیه تکوین است نیازمند انجام پژوهش‌های بیشتر به منظور بهتر شناخته شدن است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در دیگر پژوهش‌ها حدود و ثغور این رویکرد، و کاربست آن در زمینه‌های موضوعی گوناگون مطالعه شود. همچنین به سازمان تألیف کتب درسی، طراحان و مؤلفان کتاب‌های درسی پیشنهاد می‌شود از رویکرد گفتمان‌سازانه در طراحی، تدوین و نگارش محتوای دروس استفاده کنند.



منابع

۱. آقاگل زاده، فردوس؛ غیاثیان، مریم سادات (۱۳۸۶)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، ش ۱، ص ۳۹-۵۴.
۲. امین خندقی، مقصود؛ جعفرنیا، فاطمه سادات (۱۳۹۳)، «چگونگی گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه در محتوای برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۹، ص ۱۳۹-۱۵۸.
۳. ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
۴. بایمیت اف، لقمان (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه محققان شوروی (۱۹۷۸-۱۹۹۰م)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. بهالگردی، بهاره (۱۳۸۹)، «تبیین جهت‌گیری‌های برنامه درسی براساس باورهای معرفت‌شناختی معلمان و دست‌اندرکاران نظام برنامه درسی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹)، «کتاب‌های درسی و هویت ملی (فرا تحلیل مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی)»، مطالعات ملی، س ۱۱، ش ۳۱، ص ۲-۵۴.
۷. جوادی، محمدجعفر (۱۳۷۷)، «بررسی نظرات اولیای دانش‌آموزان، دانش‌آموزان و معلمان دوره ابتدایی درباره کتاب‌های درسی این دوره»، تعلیم و تربیت، ش ۵۳ و ۵۴، ص ۲۹-۶۲.
۸. جواهری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کلام معصومان علیهم السلام»، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن.
۹. چراغ‌چشم، عباس (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس»، کتاب نقد، ش ۴۲، ص ۱۵۵-۱۶۸.
۱۰. حاجتی، میراحمدرضا (۱۳۸۷)، عصر امام خمینی علیه السلام، قم: بوستان کتاب.
۱۱. حکیم‌زاده، رضوان؛ موسوی، سیدامین (۱۳۸۷)، «آموزش ارزش‌ها در محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی: بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی برای وضعیت مطلوب»، مطالعات برنامه درسی، دوره ۳، ش ۱۱، ص ۹۵-۱۱۷.

۱۲. خوی‌نژاد، غلامرضا؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹)، «ابدئولوژی‌های برنامه درسی»، محمود مهرمحمدی و همکاران، برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، تهران: سمت.
۱۳. رودگر، محمدجواد (۱۳۸۶)، «تربیت دینی، آسیب‌ها و راه‌های درمان»، کتاب نقد، ش ۴۲، ص ۹۲-۱۱۲.
۱۴. رون، سیدامیر (۱۳۹۰)، «میزان رعایت معیارهای عام در انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، س ۶، ش ۲۲، ص ۹۷-۱۱۶.
۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی-اصول و مبانی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. سیفی، غلامعلی (۱۳۸۹)، «بررسی اهداف کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از حیث انطباق با آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی.
۱۷. صالحی‌عمران، ابراهیم؛ شکیباییان، طناز (۱۳۸۶)، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۸، ش ۱، ص ۶۳-۸۵.
۱۸. صفرنیا شهری، آزاده (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی ادبیات داستانی کودکان با موضوع مهدویت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۹. عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۱، ص ۱۹-۳۴.
۲۰. عقیلی، سیدوحید؛ لطفی‌حقیقت، امیر (۱۳۸۹)، «روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری»، دانشنامه، ش ۸۷، ص ۱۶۹-۱۹۴.
۲۱. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۴)، مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی براساس فلسفه صدر، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۲۲. فاتحی، محمد (۱۳۸۴)، «بررسی چگونگی طرح انقلاب اسلامی در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشکده امام خمینی (علیه‌السلام) و انقلاب اسلامی.
۲۳. فتحی‌واجارگاه، کورش (۱۳۹۲)، برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، تهران: آبیژ.
۲۴. _____ (۱۳۸۷)، اصول برنامه ریزی درسی، تهران: ایران زمین.

۲۵. کریمی قهی، منصوره (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۸) با رویکردی تطبیقی به کتاب‌های درسی ایران پیش از انقلاب»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۱، ش ۴، ص ۶۹-۱۴۹.
۲۶. کسائی، علی‌رضا؛ رحیمیان، جلال (۱۳۹۳)، «بررسی کتاب اندیشه اسلامی ۱ از دید تحلیل گفتمان انتقادی»، اندیشه دینی، دوره ۱۴، ش ۲، پیاپی ۵۱، ص ۱۳۱-۱۵۳.
۲۷. کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص و آسیب‌های تربیت دینی»، تربیت اسلامی، ش ۶، ص ۹۳-۱۲۲.
۲۸. محمدی اشتهاوردی، محمد (۱۳۷۹)، ولایت فقیه: ستون خیمه انقلاب اسلامی، تهران: نشر مطهر.
۲۹. مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، «پیش‌فرض‌های برنامه درسی تربیت دینی در عصر جهانی شدن: مبنایی نظری برای نظام آموزش و پرورش عمومی ایران»، مطالعات برنامه درسی، ش ۱۵، ص ۴۳-۵۹.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، آینده انقلاب اسلامی ایران، قم: صدرا.
۳۱. ملکی، حسن (۱۳۸۹)، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران: سمت.
۳۲. مهرمحمدی، محمود؛ امین خندقی، مقصود (۱۳۸۸)، «مقایسه ایدئولوژی‌های برنامه درسی آیزنر با میلر: نگاهی دیگر»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ش ۱، ص ۲۷-۴۵.
۳۳. میرعارفین، فاطمه سادات (۱۳۹۱)، «نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی با تأکید بر برنامه درسی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره یازدهم، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۴.
34. Cho, Jeasik & Trent, Allen (2006), *Validity in qualitative research revisited*, Qualitative Research, vol, 6 (3) 319-340.
35. Fairclough, Norman (1989), *Language and power*, United States of America: Longman.
36. Guba, F. G, & Lincoln, Y. S. (1994), *Competing paradigms in qualitative research*, In N. K. Denzin & Y. s. Lincoln (Eds), *Handbook of qualitative research* (pp. 105-117), Thousand Oaks, CA: Sage.
37. Hsiu - Fang hsieh & Sarah E. Shannon (2005), *Three Approaches to Qualitative Content Analysis*, Qualitative Health Research, Vol. 15 No, 9. 1277-1288.

38. Jane Forman & Laura Damschroder (2008), *Qualitative content analysis, advance in bioethics*. Vol 11, 39-62.
39. Marlin, domanswhite & Emily e. marsh (2006), *Content analysis: a flexible methodology*. Research Method, Vol 55, No 1.
40. Mayring, Philipp (2000), *Qualitative Content analysis, Theories Methods Applications*. Vol 1, No 2.
41. Pingel, Falk (2009), *UNESCO Guidebook on Textbook Research and Textbook Revision: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization*.
42. Strijbos, J., Matens, R. L, Prins, F. J, & Jochems, W. M. G. (2006), *Content analysis: What are Talking About? Computers and Education*, 46, 29-48.

